

نقاشی ایران نسخه نگاره‌ها و صفو

حمید محمد ظاهری

رشد آموزش هنر
۲۰
دوره‌ی چهارم / شماره‌ی ۴
تابستان ۱۳۸۶

معرفی کتاب



و شنیدن خش خش آرام ورق هایشان هم، لذت بخش است. در میان صفحات این نسخه‌ها مطالب مبهوت کننده و آموزنده‌ی بسیار زیادی وجود دارد. پر واضح است که چنین نسخه‌هایی را فقط حامیان و هنرپوران می‌توانستند سفارش دهند. چنین گنجینه‌هایی احتمالاً به آنان احساس گشت و گذار در یکی از باغ‌ها و بوستان‌های خرم و با صفایشان را می‌داده است. بررسی دقیق نسخه‌های خطی دوره‌ی صفوی نشان می‌دهد که هنرمندان جوان بلندپرواز، ابتدا در آن‌ها نقش فرعی و یکنواختی، مثل اجرای قسمت‌های رنگی تخت داشته‌اند. ولی

و در کنار هر تصویر، شرح تصویر و داستان متعلق به آن آمده است. این کتاب، کتابی است «همه پسند» بدین معنا که روی سخن آن با همه است، نه فقط پنج شش متخصص هنر دوره‌ی صفوی. نقاشی‌های این کتاب حال و هوای متفاوت دارند. بسیاری بازگوکننده‌ی مسائل اجتماعی، داستان‌های سرگرم کننده یا پندآموز، و نگاره‌هایی هستند که دربردارنده‌ی مفاهیم عمیق و متعالی دینی‌اند و در عین حال، تظاهر در آن‌ها راه ندارد. مقدمه‌ی کتاب درباره‌ی نسخه‌های خطی صحبت می‌کند که لمس کردن، دیدن، خواندن و حتی بوییدن

نویسنده: استوارت کری ولش

مترجم: احمد رضا تقاء

ناشر: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴

سال نشر: ۱۳۸۴ (تهران)

تعداد صفحه: ۱۲۸، مصور

کتاب نقاشی ایرانی در سال ۱۹۷۶

چاپ و در سال ۱۳۸۴، توسط احمد رضا تقاء ترجمه شد. مندرجات کتاب عبارت‌اند از: سیاس نامه، پیش گفتار، مقدمه، تصاویر و تفاسیر، شاهنامه فردوسی، کلیات میرعلی شیرنوازی، دیوان حافظ، هفت اورنگ جامی، فهرست تصاویر و گزیده، کتاب‌نامه و نمایه است.

اکثر تصاویر این کتاب رنگی هستند

هم‌چنان که بر توانایی‌ها و مهارت‌هایشان افزوده شده است، قطعات دشوارتر (و البته جالب‌تر) را به آنان محول کرده‌اند. در بخش تصاویر و تفاسیر این مجموعه را مشاهده می‌کنیم:

۱. شاهنامه‌ای از فردوسی: تاریخ این شاهنامه ۹۳۴ هـ. ق است و به «شاهنامه‌ی هوتون» معروف است که گویا تحفه‌ی پدر به پسر بوده است. بسیاری از نگاره‌های قدیمی این نسخه، به سلطان محمد و مکتب او قابل انتساب است که به شیوه مکتب تبریز کار می‌کرد. میل وافر سلطان محمد به هنر مهذب‌تر و ظریف‌تر، سبب‌ساز رواج این شیوه شد. در این قسمت، ۱۰ تصویر از شاهنامه وجود دارد که شش تصویر آن منصوب به سلطان محمد است، دو تصویر منسوب به میرزاعلی یک منسوب به نقاش (شاید عبدالعزیز) و یک تصویر منسوب به میر مصور. نمونه‌ی منسوب به میر مصور، مقدمه‌ی شاهنامه‌ی بایسنقری است.

۲. کلیات میرعلی شیر ثوابی: این کلیات در سال‌های ۹۳۳/۹۳۴ هـ. ق در دو جلد تدوین شده است و هم‌اکنون در کتاب‌خانه‌ی ملی پاریس نگهداری می‌شود. کار کتابت این مجلات را کاتب معروف، علی هجرانی، در هرات انجام داده است. پنج نقاشی از شش نقاشی آن، به شیخ‌زاده قابل انتساب است که بیش از هر نقاش دیگری، عناصر صوری سبک بهزاد را تداوم بخشیده است.

در این کتاب چهار تصویر آمده که سه تصویر آن منسوب به شیخ‌زاده است و یکی منسوب به سلطان محمد.

۳. دیوان حافظ: این نسخه‌ی دیوان

حافظ در حدود ۹۳۴ هـ. ق تدوین شده است. دو نگاره از شیخ‌زاده و پنج نگاره از سلطان محمد، در این نسخه وجود دارد. در این جا ۳ نگاره آمده که یکی از آن‌ها به سلطان محمد یکی به شیخ‌زاده و دیگری به سلطان محمد عراقی منسوب است. ۴. خمسه نظامی: خوشبختانه علاقه شاه تهماسب به نقاشی آنقدر دوام آورد که دست کم نسخه دیگر نیز در دوران او تدوین شود و این نسخه بحق شهرت یافته خمسه نظامی است. که در تاریخ ۹۴۶-۹۵۰ هـ. ق تدوین شده. این نسخه دربردارنده‌ی چهارده نگاره هم دوره و سه نگاره متعلق به اوایل سده یازدهم است به همراه حاشیه‌های جدید زمانی. بیشتر هنرمندان عمده دربار در مصورسازی این نسخه سهم داشتند مثل: سلطان محمد، آقا میرک، میرسیدعلی، میرزاعلی و مظفرعلی. در این جا ۱۴ تصویر از خمسه نظامی آمده که ۵ تا منسوب به آقامیرک، ۴ تا منسوب به سلطان محمد، ۵ تا منسوب به میرزاعلی.

۵. هفت اورنگ جامی: کار تدوین هفت اورنگ جامی در سال ۹۶۴ هـ. ق آغاز شد. این نسخه هم‌اینک در گالری هنر فریر نگهداری می‌شود. ۲۸ نگاره بی‌رقم این نسخه را می‌توان برپایه سبک به هنرمندان بسیاری که بر روی شاهنامه هوتون کار می‌کردند منسوب دانست. میرزاعلی، مظفرعلی، شیخ محمد، نقاشان و آقامیرک. مع‌هذا سهمی که میرزاعلی در این نسخه ایفا کرده نشان می‌دهد که او می‌توانسته پایه‌پای زمانه تغییر کند.

در این جا ۱۵ نگاره از هفت اورنگ جامی است. ۶ تا منسوب به میرزاعلی،

یکی منسوب به نقاش الف، شاید قدیمی ۴ تا منسوب به شیخ محمد، ۳ تا منسوب به مظفرعلی و یکی منسوب به نقاش د است.

برای هنرمند ایرانی سده‌ی دهم هـ. ق، اوج کامیابی دنیوی راه یافتن به دربار شاهان و عضویت در کارگاه سلطنتی بود که چون آهنربا، استعداد‌های هنری استثنایی زمانه را به سمت خوب جذب می‌کرد. در دوران صفوی، برای فرزندان پست‌ترین خانواده‌ها هم امکان صعود به قله‌های رفیع ترقی مهیا بود.

از آن‌جا که نقاشی ایرانی از حیث خلوص و شدت رنگ در قلمرو هنر دنیا احتمالاً بی‌رقیب است، به همین دلیل باید خصوصیات هر رنگ را چه جدا و چه در کنار رنگ‌های دیگر بدانیم. زیرا در نگاره‌های ایرانی، مجموعه رنگ‌های به‌کار رفته نه تنها مانند گروهی از نت‌های موسیقی، «آکورد» دیداری پدید می‌آورند، بلکه به صورت تک‌تک نیز می‌توان از آن‌ها لذت برد و هیچ لذتی به پای نگریستن به یک نگاره، صرفاً بابت نقش‌های آبی، سرخ و سفید آن نمی‌رسد. شاید شاخص‌ترین ویژگی نقاشی ایرانی، استفاده‌ی آن از اسلیمی باشد.

طرح‌های موزونی که شاخسارهای پیچان پرشکوه را دارند و بیشتر هنرهای اسلامی از آن‌جا جان می‌گیرند.

امید است این کتاب چشم‌کسان بسیاری را بر لذات عمیق‌تر نقاشی ایرانی که غالب اوقات پرتکلف و کم‌بها شمرده می‌شود، بگشاید.